



۲۰۱۹/۰۹/۰۶



دوکتور محمد اکبر یوسفی

آیا افغانستان اشغال است؟

تعقیب وقایع قریب دو دهه افغانستان و هم چنان مشاهدات و مروری بر عملکرد تیم های "استخدام شده" و اشخاص تراشیده و "صیقل" شده از جانب کار فرمایان آنها، که در "حاکمیت سیاسی - اداری افغانستان"، پس از سال ۲۰۰۱م، نصب گردیده اند، این نویسنده را بر آن داشته است، تا نکات چندی را درین رابطه، یاد آور شود که آیا افغانستان "اشغال" است و یا نه و اگر "اشغال" است، چه نوع "اشغال" است، که اشغال نموده و برای چه اهداف، و مسبب این رویداد کی ها بوده اند، که این کشور را در قید همچو شرایط، و با این نوع سرنوشت غم انگیز روبرو ساخته است. حال بدون پیچیده ساختن مطلب، که به غیر از آن، بصورت کافی بغرنج است، فقط از وقوع حوادث سالهای آغاز دهه



نود قرن بیست آغاز می کنیم، که "بحران افغانستان" در چه جهات تغییر و انکشاف می کند و چه کسانی از آن تلاش، بهره گرفتن داشته اند. با عودت قوای اشغالگر قبلی، در اخیر نیمه دوم قرن بیست، قریب یک دهه کامل "جنگ داخلی" بین تنظیم های مسلح "جهادی و جنگ سالاران" دوام کرد. درین بحران، جوانب درگیر، در حقیقت مردم افغانستان را محروم از موجودیت یک "دولت مرکزی حاکم بر قلمرو" افغانستان، نموده بودند. قسمتی از بازیگران داخلی و خارجی را درین تصاویر می بینید، که درین چهار دهه، نبض بحران افغانستان را ثبت گراف های معلوماتی آنها می نموده اند. (برای معرفی مختصر این چهره های سیاسی و مهره های معلوم الحال را از بالا تا پائین از سمت راست تصاویر جمعی، به سمت چپ نام می بریم: «برهان الدین ربانی» با "رونالد ریگن" رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا (حزب "جمهوری خواه" آمریکا)، "برهان الدین ربانی"، "غلام اسحق خان، رئیس جمهور پاکستان" (از ۱۷ اگست ۱۹۸۸م الی ۱۸ جولای ۱۹۹۳م)، "گلبدین حکمتیار"، "جنرال حمیدگل" (رئیس وقت "آی اس آی")، "رونالد ریگن"، "مولوی محمد یونس خالص"، "داکتر زلمی خلیلزاد"، در وسط تعداد کثیری از رهبران تنظیم های مقیم پیشاور"، "ملا محمد عمر"، "داکتر محمد اشرف غنی"، "جان کیری وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا"، "داکتر عبدالله عبدالله"، "عبدالله"، "سیاف"، "حکمتیار"، "غنی احمدزی"، "کرزی"، "جکمتیار"، "سران تنظیمی" با "نواز شریف" و "حقانی" با یکی از "پسرانش".)

درین گروپ ها، تعدادی از نمایندگان "بنیادگرایان اسلامی" تند رو "سنی" با متنفذین محلی معرفی شده اند، که از جانب ایالات متحده آمریکا، "پاکستان"، "عربستان سعودی" و غیره متحدان آنها، در "جنگ" علیه "قوای شوروی" و "حکومت تحت حمایت آنها"، حمایت شده اند. از گروپ های تحت حمایت "ایران" و سایر کشورهای همجوار دیگر، همه به خوبی واقف اند.

طوری که در بالا نیز ذکر شده است، درین مدتی که جنگ داخلی ادامه داشته است، در حقیقت کشور فاقد دولت به معنی اصلی کلمه بوده است. اما دشمنان نشسته در کمین که خواب تجزیه افغانستان را داشته اند، قادر نشده اند، تا به اهداف نهائی آنها، برسند. ممانعت ازین اهداف، ممکن در چهارچوب "توازن قوای بین المللی"، آنها در اختیار قدرت های بزرگ بوده باشد. که در نتیجه، هویت و وضعیت کشور در سطح مناسبات بین المللی، بحیث یک کشور دارای استقلال سیاسی و تمامیت ارضی، صدمه بیشتر ندیده است و تا اکنون به تجزیه روبرو نگردیده و هم عضویت آن در سازمان ملل متحد، حفظ شده است.

وضعیتی که در نیمه دهه نود قرن بیست، بوجود می آید و یک "حرکت" نو تشکیل بنام "طالبان" وارد میدان عمل نظامی - سیاسی می گردد، در سطح جهانی به همه معلوم است، از تکرار موضوعات خودداری می نمایم. اما همه می دانند، که مبداء از کجا، و به ادعان و رهبری، تمویل، تجهیز و تسلیح و حمایت چه مراکز وارد صحنه سیاسی - نظامی شده اند. دیری نگذشته است، که وضعیت در انظار عامه با پیچیدگی خاصی تغییر می کند. جنگ داخلی که به ظاهر امر در دو جبهه، به پیش برده می شده است، در "حقیقت" اردو های کوچک متعدد بوده اند که، علیه همدیگر درگیر بوده اند. در جمله این اردو ها، افراد "جنگی" بیگانه نیز سهیم بوده اند که، علاوه از دخالت های نظامی آنان در داخل افغانستان، در عین زمان، به اعمال تروریستی، علیه مواضع دولتی ایالات متحده و متحدین آن، متوسل شده اند. "حرکت طالبان" (از اخیر ۱۹۹۴م تا ۲۰۰۱م) قرار گزارشات مطبوعاتی، قریب ۹۰ فیصد خاک را در اختیار داشته است. فقط سه کشور مانند "پاکستان"، "عربستان سعودی" و "امارات عربی متحد" حاکمیت طالبان را برسمیت

شناخته بودند. با وجود تلاش های پیگیر، باز هم چوکی "سازمان ملل متحد" که برای افغانستان اختصاص یافته است، نتوانسته اند، تصاحب شوند. البته روشن است، که در طی سالهای دوره متذکره، این "حرکت طالبان"، برای سیستم



(تصویر: از راست به چپ "ملا ضعیف" (Zaeef Mullah) و "سهیل شاهین" (Suhail Shaheen) معاون سفیر)

سیاسی - دولتی آن، نام "امارت اسلامی طالبان" را، در ساحة تحت "حاکمیت" آنها، اعلان نمودند.

در برابر آنها، یک قوت "جنگی" بنام "اتحاد شمال" ایجاد گردیده بود، با وجود آنکه ده فیصد خاک افغانستان را در اختیار داشته اند، چوکی سازمان ملل متحد را حفظ داشته اند و از حمایت برخی از کشور ها، برخوردار بوده است، و "جنگ داخلی" هم ادامه داشته است. وقتی حادثه ترور در سپتمبر

۲۰۰۱م در نیویارک و واشنگتن رخ داد، پس از آن الی هفت "اکتوبر ۲۰۰۱م"، ایالات متحده که، کشور خود را در "حالت جنگ" یافته بود، پس از اینکه از جانب "امارت اسلامی افغانستان"، به تقاضاهای آنها، جواب مثبت داده نشد، به "سینتکوم" امریه توسل به اقدام عملیات "نظامی" با همکاری متحدان آنها، صادر شد. به این تصاویر و اعلان موضعگیری های "جانب"، "امارت اسلامی افغانستان" در روز های قبل از آغاز "عملیات سینتکوم و متحدان" توجه نمایند.

Thursday, 3 January, 2002, 15:30 GMT
Taliban ambassador held in Pakistan



Zaeef: Asked by the authorities to leave Islamabad

(سطر بالائی عکس: "پنجشنبه، 3 جنوری 2002م، ساعت 15:30 بوقت "گرینویچ". سفیر طالبان در پاکستان گرفتار شد." سطر پائین: "ضعیف: مقامات از ضعیف خواسته است، تا پاکستان را ترک کند.)

در جملات بعدی یک گزارش مطبوعاتی می خوانیم: «در ظرف چند ساعت پس از بیانیه "بوش" شب پنجشنبه در کنگره آمریکا، از رجال دینی جنگی مسلمان، که بر افغانستان حاکمیت دارند، تقاضا بعمل آمده است. آنچه را که فرستاده آنها، امروز توضیح نموده است، آنرا به عنوان یک جواب نهائی گفته است، "نه، نه، نه"، "رد" این خواست، «توسط نماینده "رجال دینی" در پاکستان، "ملا سلام ضعیف"، در یک کنفرانس خبری در پایتخت پاکستان ابلاغ گردیده است، که بعد از مشوره در قندهار، با "ملا محمد عمر"، رهبر حرکت اسلامی طالبان" که قسمت اعظم کشور را در کنترل دارند، برگشته است."

پس از ختم قرائت ابلاغیه طالبان، توسط "ملا ضعیف"، گزارشگر می نویسد، که "ملا ضعیف" گفته است که: "اگر لازم باشد، طالبان حاضر است، با آمریکا بجنگند". به ادامه علاوه می کند، که "فیصله ما بر اساس دروس پیغمبر محمد و خدا منشاء گرفته است." بعداً در جواب مصراغه "گزارشگران" که تأکید نموده اند، آیا این جواب "ثابت" است، "ملا ضعیف" جواب می دهد، "این فیصله نهائی است"

در گزارش هم چنان می خوانیم: "فرستنده و معاون او در سفارت طالبان در پاکستان، "سهیل شاهین"، به رئیس جمهور "بوش"، در تلاش او بخاطر سرکوب تروریسم بین المللی، اخطار می دهد، که ایالات متحده را به همان سرنوشت روبرو خواهد ساخت، که دیگر قدرت هائی که افغانستان را در قرون اشغال نموده اند، روبرو شده اند. آقای "شاهین" که بزبان انگلیسی صحبت می نموده است، مدعی گردیده است که: "یگانه ارباب جهان می خواهد، ما را به مخاطره روبرو سازد." در یک منبع دیگر، از تلویزون ها از زبان "شاهین" حتی چنین شنیده شده است، که

"وقتی قوای پیاده ایالات متحده آمریکا، در خاک افغانستان قدم گذارد، جنگ حقیقی آنوقت، آغاز خواهد یافت." در گزارش "جان اف. برنس" از گفتار او هم چنان تذکر رفته است: «لیکن اشتباه نکنید: افغانستان، طوری که در گذشته بوده است - برتانیة کبیر، او آمد، ارتش سرخ او آمد - مردم افغانستان یک مرداب یا باتلاق است. مردم درینجا خندان داخل می شوند، زخمی خارج می گردند.»

در دولت "فعلی" افغانستان، که در شرایط اشغال توسط قدرت بزرگ، حاکمیت "دو سره" بر کشور، در تحت نام "حکومت وحدت ملی" تحمیل گردیده است و از موجودیت آن هم مواظبت همه جانبه صورت می گیرد، در حقیقت، در بین این دو "مرد" یک کلتور مشابه با "هم جنس بازی" انفرادی اساس گذاشته شده است، که هر روز فقط (سیاست "هم جنس بازی"، دو سر کرده "حکومت وحدت ملی" را، در حاکمیت "دو سره"، نا متحد "وابسته" با نمایش "دو کلتور" متفاوت، وارد صحنه می سازند. این است محصول سیاست "قدرت بزرگ"، در عقب "در های "پسته") تلاش براه می افتد، که گویا در فکر طرح سیاست درست اند، در اجراءت به چند دوره در رأس حکومت نیاز دارند. چه خوب تصاویر "عشق بازی" با سیاست، ازین قدرت، دو سره تولید شده می تواند.

در طول این زمان، این دو، دائماً در مراسم مختلف، بشمول عزاداری، عروسی و غیره بخش های عادی، اشتراک



(سیاست "هم جنس بازی"، دو سر کرده "حکومت وحدت ملی"، در حاکمیت "دو سره"، نا متحد "وابسته" یا نمایش "دو کلتور" متفاوت. این است محصول سیاست "قدرت بزرگ"، در عقب "در های "پسته")

نموده، کلتور مردم را، تمثیل نموده اند. این نوع مناسبت با اصل "وحدت ملی"، هیچ ربطی داشته نمی تواند، بلکه یک نوعی از "باندیتریزم" عقبمانده تلقی شده می تواند، که با "وساطت های" مکرر "جان گیری" تشکیل و "داکتر زلمی خلیل زاد" هم وقتاً فوقتاً به تجدید نیرو یاری رسانیده اند.

این نویسنده که شخص سیاسی نه، بلکه با علاقه ای که به مطالعه و درک مسائل سیاسی دارد، پس از سال ۲۰۰۱ م همه اقدامات مجامع بین المللی را قابل فهم می داند. در لحظات اول ایالات متحده آمریکا شکلاً با همکاری نزدیک «برتانیه» و متعاقباً سائز کشور های «ناتو» قدم هایی برداشته اند، که بنابر ذلایلی که آنقدرت بزرگ داشته است، با «آغاز» جنگ علیه تروریزم و «برای تداوم آزادی» از خاک افغانستان، ناگزیر باید، «حاکمیت قسمی» طالبان سقوط داده می شد. موازی با سقوط طالبان، «شورای نظار» را بحیث متحد داخلی و در حقیقت بحیث "بدیل"، به جای "طالبان" انتخاب نمودند.

از همان آغاز، "تداوم جنگ" علیه "تروریسم" را طولانی پیش بینی می نموده اند. نقش رهبران "شورای نظار" و رهبران اتحاد شمال، می توانند مانند نقش "شاه شجاع" شناخته شود. مسئولین نظامی "برتانیه"، دوام آنرا، حتی پنجاه سال محتمل دانسته اند. نحوه کنار رفتن "طالبان" و دوباره، وارد میدان جنگ شدن آنان، در تحت نفوذ، پاکستان در طول این زمان، شک و تردید های زیادی ببار آورده است، از طرف دیگر در صلاحیت های این دولت پس از کنفرانس ۲۰۰۱م در "بن" و هم جنان تسلط فساد اداری و غیره مسایل، ذهنیت های مختلف را نسبت به اشغال بودن، افغانستان بوجود آورده است. همین تحمیل «حکومت وحدت ملی» و قبول شیوه "تقسیم قدرت"، در حقیقت، وابستگی این دولت و فقدان صلاحیت حکومت را در رابطه با خاکمیت آن، درین سرزمین تقویت بخشیده است.

با وجود آنکه در موضع "طالبان"، در رابطه با دولت افغانستان، هیچ تغییری رخ نداده است، جانب "طالبان"، مانند

Saturday, 27 October, 2001, 08:20 GMT 09:20 UK

War on terror 'may last 50 years'



Sir Michael (left) and Adam Ingram brief the media

همیشه دولت افغانستان را، "فاقد صلاحیت" و "ضعیف" می دانسته اند. صلاحیت "تصمیم" درین حکومت را، در رابطه با سرنوشت کشورر نمی دیده اند، بدین سبب است، که آنها این حکومت را طرف مذاکره خود آنها نمی دانسته اند و تا اکنون هم، روشن نیست. صرفنظر از اینکه بسیاری از تلاش های تماس مأموران دولت افغانستان، از جانب "افراد دولتی" افشاء و "سبوتاژ" نیز شده است، باز هم، "طالبان" فقط از "مذاکره مستقیم با ایالات متحده امریکا" حرف می زده اند.

آنها مانند همیشه مدعی اند، که "ایالات متحده امریکا"، "امارت" آنها را سقوط داده اند و "کشور" را اشغال نموده اند. حال هم، در "مذاکرات" با ایالات متحده امریکا، با همان نام و هویت "سقوط" داده شده، حاضر به مذاکره شده اند. بنابراین در پایان توافق هم اگر به امضاء برسد، قرار سماعتی، همین عنوان "امارت اسلامی افغانستان" تحریر خواهد یافت.

پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

آیا افغانستان اشغال است؟

Yusufi_akbar_۶۴_aya_afghanistan_ishghal_ast.pdf